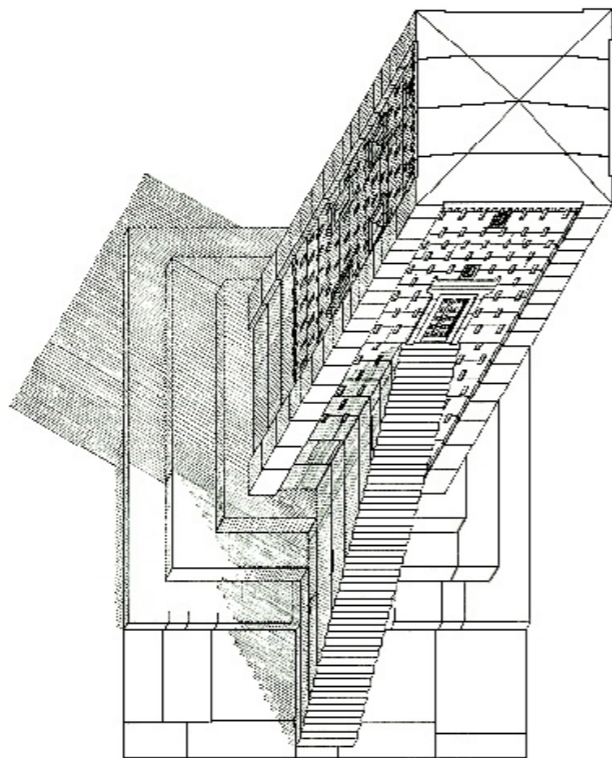
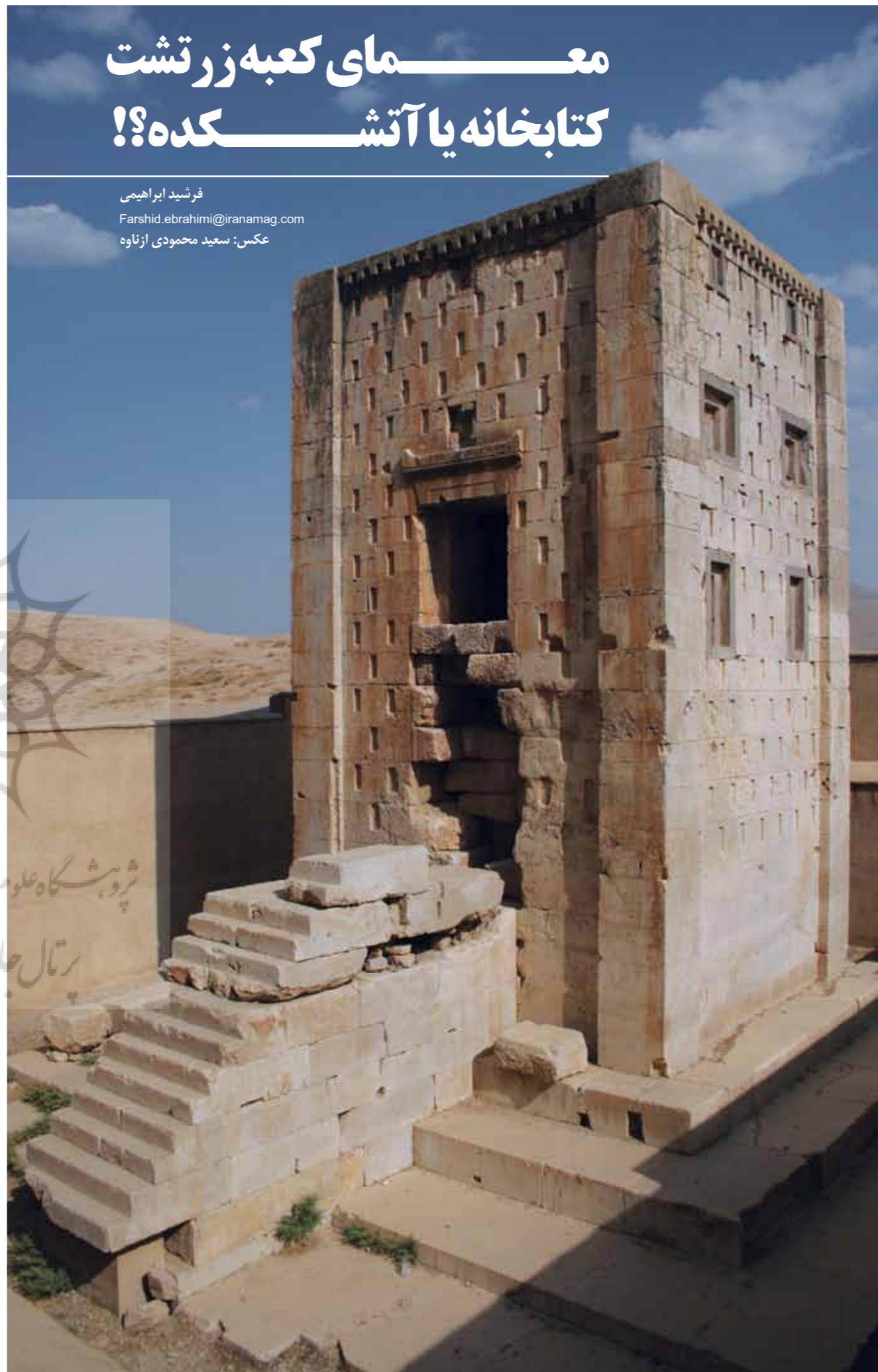


# معمای کعبه زرتشت کتابخانه یا آتشکده؟!

فرشید ابراهیمی

Farshid.ebrahimi@iranamag.com

عکس: سعید محمودی ازناوه



کعبه زرتشت نام بنایی است مکعب- مستطیل شکل در نقش رستم استان فارس. این بنا در زمان هخامنشیان و شاید در زمان داریوش بزرگ ساخته شده باشد. کارستن نیبور، جهانگرد دانمارکی، که در سال ۱۷۶۵م (۱۱۷۸ هجری)، در زمان فرمانروایی زندیه، به ایران آمد، برای نخستین بار در کتاب خود گزارش‌های سودمندی درباره تخت جمشید می‌نویسد و همچنین درباره کعبه زرتشت نیز اگرچه همانند تمامی ایرانیان آن روزگار نگاره‌های ساسانی را وابسته به رستم پهلوان دانسته، اما برای آگاهی بیشتر چنین می‌نویسد:

«جلوی کوهی که آرامگاهها و سنگ‌نگاره‌های پهلوانی رستم بر آن قرار دارد، بنای کوچکی از سنگ سفید ساخته شده است که فقط با دو قطعه سنگ بزرگ پوشیده شده است و به گمان من به سامان مانند این خانه به خاطر این دو قطعه سنگ است، زیرا هیچ کس، بی‌آن که خود را در خطر سقوط سنگ‌های سقف قرار ندهد، نمی‌تواند سنگ‌های ساختمان را جا به جا بکند. در خانه خیلی از کف زمین بلندتر است، با این همه به آسانی می‌توان درون آن رفت. زیرا زیر درگاه کمی آسیب دیده است. این خانه اتاق چهارگوشی است که هر گوشه آن ده پا درازا دارد و در درگاه گودی‌هایی برای پاشنه‌های در ساخته شده است. در این بنا سنگ‌نشسته یا پیکره کنده‌ای به چشم نمی‌خورد. اتاق پنجره ندارد و نور از هیچ جایی جز از تنها دری که رو به کوه است نمی‌تواند وارد اتاق شود. زیر این اتاق به گمان من اتاق دیگری وجود ندارد و این طور به نظر می‌آید که از آغاز پر بوده است. بنابراین ساختمان هیچ‌گاه برای زندگی زندگان نبوده است. بلکه جایگاهی بوده است برای کفن و دفن و یا امانت گذاشتن مردگانی که در آرامگاه‌های دل کوه خفته‌اند.»<sup>۱</sup>

پس از نوشتارهای نیبور، نخستین نگاره کشیده شده از کعبه زرتشت و نقش رستم را می‌توان در کتاب ایران‌شناس و دانشمند آلمانی، دکتر فردیناند یوستی، با نام "تاریخ ایران باستان" یافت. (برلین - ۱۸۷۹)

سه سال پس از یوستی، مادام دیولافوا (۱۸۸۱م) به ایران آمد. این جهانگرد فرانسوی در سفرنامه خود به همراه یک نقاشی دقیق از کعبه زرتشت چنین گزارش داد:

«... و بعد یک بنای چهارضلعی را دیدیم که در مقابل دیوارهای صخره واقع بود. هریک از سطوح آن مانند سطوح بنای خرابی بود که در دشت پلوار دیده بودیم و مارسل تصور می‌کرد که قبر کامبیز، پدر سیروس باشد. در بنای مادر سلیمان فقط یک بدنه هنوز باقی است. اما در این جا بنای مقبره سالم است و حتی یکی از سنگ‌های آن نیز نیفتاده است. شکل کلی بنا مانند برج مربعی است

که قاعده آن را پُر کرده باشند. در قسمت فوقانی آن فقط یک اتاق دیده می‌شود که شکل ساده‌ای دارد ولی سقف آن با سنگ‌های تراشیده قشنگی با کمال مهارت پوشیده شده و این سنگ‌ها با استادی به هم اتصال یافته‌اند. دیوارها برهنه و زوایای آن قائمه است و فقط یک درگاه با ابعاد محدودی این اتاق کوچک را با خارج مربوط می‌سازد. پلکانی هم داشته که به وسیله آن بالا می‌رفته‌اند. شالوده آن برجاست ولی سنگ‌های آن کنده شده است. دو شکاف متوازی هم در محور درگاه آن حفر شده تا بتوان به سهولت تابوتی را در موقع ورود و خروج در، روی آن‌ها لغزاند. این بنا هم مانند بنای مشهد مرغاب کنگره‌ای در بالای خود دارد و صفحات بزرگ سنگ سخت سیاه در سه بدنه آن قرار گرفته که شبیه به پنجره هستند. اما در واقع بیش از یک مدخل ندارد. نظر به شکافی که در این‌جا به‌طور استثناء دیده می‌شود. شوهرم تصور می‌کند که این بنا مانند برج‌های گبران دخمه‌ای بوده است برای سپردن جنازه شاهان و همین که جنازه پوسیده و تجزیه می‌شده، آن را به مقابر زیرزمینی منتقل می‌کرده‌اند.»<sup>۲</sup>

در سال ۱۳۱۷ خورشیدی، از سوی بنگاه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، به رهبری اریک اف اشمیت ۳ چهارسوی بنای کعبه زرتشت خاک‌برداری شد. ۴ و بدین گونه بخش بسیار ارزنده کعبه زرتشت که از زمانی نامعلوم در زیر خاک بود آزاد شد. پس از این خاک‌برداری این بنای تاریخی چهره تازه‌ای به خود گرفت؛ بنای مکعب مستطیلی با پلکانی سنگی و سه سکو در سه سوی دیگر. اما سوی این دگرگونی ظاهری با خاک‌برداری پیرامون کعبه زرتشت، یکی از درخشان‌ترین برگ‌های تاریخ دوره ساسانی در پرتو روشنایی آشکار گردید:

در سه سوی کعبه زرتشت بر فراز سکوها، نه تنها سنگ‌نبشته ارزشمندی از شاپور نخست (۲۷۲ - ۲۴۱م) به سه زبان پهلوی ساسانی و اشکانی و یونانی به‌دست آمد، که در زیر سنگ‌نبشته شاپور نخست، سنگ‌نبشته دیگری از کرتیر، موبد بزرگ هفت شاهنشاه ساسانی، نیز به نوبه پهلوی ساسانی یافت شد که از منظر تاریخ سیاست دینی ساسانیان، بسیار سودمند است.

ترجمه پارسی سنگ‌نبشته کرتیر که ۱/۸۶ متر درازا دارد و از ۱۹ بند تشکیل شده به نیکی ما را با این چهره مذهبی خشمگین! و بسیار بانفوذ دوره ساسانی آشنا می‌سازد.

شاپور هنگامی که در سال ۲۶۰م در سنگ‌نبشته‌ای بزرگان کشور را برمی‌شمرد، نام کرتیر را پس از نام نایب‌السلطنه (بدخش) و پیش از نام شهربان بیشاپور و پانزده درباری دیگر می‌آورد. . .

پیگرد و سپس کشتن مانی را در زمان بهرام نخست (در سال ۲۷۶ م)، می‌توان

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات  
رتال جامع علوم انسانی



می‌باشد. پس زمانی که کعبه زرتشت برای نگاهداری اوستا در نظر گرفته شده است نزدیک به ۷۵۰ سال عمر داشته است.»۵

والتر هینتز به درستی معتقد است که هر سه برج باستانی کعبه زرتشت در نقش رستم، زندان سلیمان در پاسارگاد و برج نورآباد میان کازرون و فهلپان را باید با هم بررسی کرد.

بسیاری از کارشناسان آن را یک آتشگاه و برخی دیگر یک کتابخانه و جایگاه نگهداری و نگهداری بیست و یک نسک اوستای باستانی می‌دانند.

هرتسفلد از جمله باستان‌شناسانی است که معتقد است کعبه زرتشت در حقیقت همان «دژنیبیشتک» یا دژ نوشته‌هاست که در کتاب چهارم متن پهلوی دینکرت به آن اشاره شده و نسخه‌ای از بیست و یک اوستا در آن نگهداری می‌شده است.

در همین روند دکتر بهرام فره‌وشی معتقد است:

«این ساختمان گویا از دیرباز به‌عنوان یک مرکز اسناد تاریخی شناخته شده بود و از این رو بود که شاپور یکم، شاهنشاه ساسانی، شرح پیروزی‌های خود را به زبان‌های پارسی و پارسیک و یونانی بر بدنه یکی از دیوارهای آن نویسانده است. علاوه بر این، کعبه زرتشت در برابر آرامگاه‌های پادشاهان هخامنشی بنا شده بود و آتشی که بر روی بام آن برافروخته می‌شد؛ شب‌ها دیواره کوه آرامگاه‌ها را روشنی می‌بخشید و بعید نیست که یک نسخه از کتاب مقدس اوستا که بر پوست‌ها نوشته شده بود برای متبرک ساختن محوطه آرامگاه‌ها در درون ساختمان کعبه زرتشت نگاهداری می‌شده است.»۶

اما اتاقک کوچک کعبه زرتشت برای نگاهداری اوستا و نوشتارهای دینی بسیار کوچک است و برای چنین خواستی بی‌گمان جایگاه‌های بزرگ‌تری در دستگاه دین‌مدار ساسانی ترتیب داده شده است.

برای آتشگاه پنداشتن این بنا نیز دلایل کافی وجود ندارد. در بررسی‌های سوختن اتاقک در آتش و سوختگی سنگ‌ها به هیچ روی اثری به‌دست نیامده است. اگر بگوییم که آن‌جا جایگاه آتش مقدس بوده است تا بتوان در آیین‌های ملی و دینی به کمک آن آتش‌های دیگری در مهراب‌ها و آتشدان‌ها برافروخت، باید جایی اجاق مانند در کف اتاق در نظر گرفته می‌شد تا از پراکندگی آتش مقدس جلوگیری شود و همچنین نگهداری آن آسان‌تر باشد. به راستی در گمان نمی‌گنجد که سازندگان این بنای استوار و پرهزینه به اندیشه ساختن یک جایگاه کوچک برای آتش مقدس در درون اتاقک نیفتاده باشند تا مگر از پراکندگی آتش و خاکستر جلوگیری شده باشد. در مهراب‌های آتش که در سراسر ایران بجا مانده است، چنین جایگاهی پیش‌بینی شده است.

اگر کعبه زرتشت را آتشگاه بنامیم می‌بایستی شمار زیادی از این گونه آتشگاه‌ها در سراسر ایران موجود باشد.

از سویی، دیدگاهی دیگر نیز پیرامون کاربرد این بنا درمیان است: آیا می‌توان کعبه زرتشت را آرامگاه همیشگی و یا موقت دانست؟

کعبه زرتشت اگر هم در ساختار ظاهری شباهتی به آرامگاه کوروش ندارد، اما از نظر ساختمان به‌ویژه به سبب شکل اتاقک خود، همسانی بسیاری با آرامگاه کوروش در پاسارگاد دارد. نزدیکی بسیار این بنا به آرامگاه‌های شاهان هخامنشی، به ویژه روبرو بودن آن با آرامگاه‌ها، چیزی است که به آسانی نمی‌توان از آن گذشت.

شادروان استاد علی سامی در ۱۳۳۷ خورشیدی جلوی آرامگاه اردشیر سوم در تخت جمشید، ضمن خاک‌برداری حریم آن آرامگاه، دری مانند در اتاقک کعبه زرتشت پیدا کرد که قطعات شکسته آن به گنجینه تخت جمشید انتقال یافت.

با وجود تمامی دیدگاه‌های به‌دست آمده پیرامون کاربرد کعبه زرتشت، اما همچنان تا به امروز این معما برجای است. چرا که هیچ یک از دیدگاه‌های گفته شده در برابر منطق، دوامی بیش از دیگری ندارد! امید است تا آیندگان بیش از ما، به کاوش‌های پیگیر و گسترده در این باره دست یازند.

است؟ این پرسشی است که تا امروز نیز پاسخی قطعی در پی نداشته است.

«این که در بند سوم سنگ‌نبشته کرتیر می‌خوانیم که: «این بن‌خانک ترا بود، چنان کن که دانی برای ایزدان و ما بهتر است»، سبب شده است که برخی از دانشمندان از آن جمله اشپرنگلینگ، هنینگ و سپس پروفیسور هینتز بر این عقیده باشند که منظور از «بن‌خانک» کعبه زرتشت است. البته هینتز کمی از دشواری مسأله به این ترتیب می‌کاهد که می‌نویسد: «نام "بن‌خانک" را برای کعبه زرتشت دست کم در زمان ساسانیان می‌توانیم به راحتی بپذیریم. اما برای زمان هخامنشیان احتیاج به بررسی‌های بیشتری

آغاز نیرومندی سیاست مذهبی کرتیر به‌شمار آورد. این نیرومندی سیاسی کرتیر در جهان‌بینی دینی خود، نخست در زمان بهرام دوم به کامیابی رسید. . .

عملیات حفاری و مرمت کعبه زرتشت توسط بنگاه علمی تخت جمشید زیر نظر اداره کل باستان‌شناسی ایران، آقای دکتر گدار و سید محمود مصطفوی و مدیریت آقای علی سامی ادامه یافت. در سال ۱۳۲۹، پرفسور هنینگ از کتیبه‌های نقش شده بر کعبه زرتشت قالب‌گیری کرد و مدت زمانی پس از آن، شادروان علی سامی کتیبه‌های سه وجه کعبه زرتشت را با پوششی خشتی-آجری پوشاندند تا این نوشته‌ها از آسیب حفظ شوند و مصون بمانند.

### کاربرد بنا: معمای کعبه زرتشت!

به راستی کعبه زرتشت چرا ساخته شد؟ و کاربرد آن در دوره باستان چه بوده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

بی‌نویس:

۱- سفرنامه مامد دیولافوا، ترجمه بهرام فره‌وشی (مترجم همایون)، تهران، ۱۳۲۲، رویه‌های ۲۷۲ تا ۲۷۳

۲- Chicago - E. Schmidt: The Treasury of Persepolis and other discoveries in the homeland of the Achaemenians. ۱۹۳۸, p. ۱۰۲

۳- ریحی، ۱۳۵۰

۴- فره‌وشی، ۱۳۷۲، ۹۵

یازنامه:

- رحبی، پرویز، کرتیر و سنگ‌نبشته او در کعبه زرتشت، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ویژه، سال ششم، شماره ۳۳، مهر ۱۳۵۰.

- فره‌وشی، بهرام، ایرولوج، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

- محمودی، کنوان، پوربیرار و کعبه زرتشت، در:

http://www.azargoshnasp.net/Pasokhbehnaniran/ppnaqshpasokh.htm